

«جانوران وحشی بزرگ» در شبکه مستند

مستند «جانوران وحشی بزرگ» با گویبندی ۱۰ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تامین و رسانه بین الملل سیما دوبله شد. این مستند در گونه مستند حیات وحش محصول سال ۲۰۲۳ انگلیس قرار است از شبکه مستند پخش شود. مدیر دوبله این مستند رامین کاملی است. این مستند در مورد حیوانات و جانوران غول پیکری است که جته‌های غول آسایی دارند و این جته در بعضی از مواقع به آنها

خیلی کمک می‌کند و می‌تواند بقیه را بترساند و در به دست آوردن ملزومات بقا به آنها کمک کند، ولی همیشه داشتن جته بزرگ به نفع جانوران نیست و گاه حفظ بقا را برای شان مشکل‌تر می‌نماید. یک مجموعه مستند حیات وحش با فیلمبرداری و ساخت عالی که مخاطب را به جهان حیوانات می‌برد و بی‌گمان برای دوستداران مستندهای حیات وحش می‌تواند بسیار جذاب

باشد در حالی که جنبه تحقیقی و اطلاعاتی آن هم قابل توجه است و از این لحاظ برای مخاطب علاقه‌مند می‌تواند سودمند نیز باشد. شبکه مستند، مسئولیت رصد این اثر را بر عهده داشته است و پس از طی مراحل تایید و روندهای ترجمه، ویراستاری و سپس دوبله این عنوان برای مخاطبان این شبکه پخش خواهد شد.



«جام جم» در پرونده‌ای از بایدها و نبایدهای

تن‌پوشی از تاریخ

مثلا ناصرالدین شاه، هر روز یک جوراب تازه می‌پوشید و قبلی را به خدمه می‌داد. در دوره قاجار هم همین‌طور بوده و در سفرنامه و اسناد قید شده است.

مستند یا پراساس تخیل؟

اما وقتی صحبت از لباس در کارهای تاریخی می‌شود و مخاطب حاصل یک تحقیق گسترده را در قاب تلویزیون می‌بیند، این پرسش برایش مطرح می‌شود که چقدر از چیزی که می‌بیند واقعی و منطبق با تاریخ است. در حقیقت این پرسش بنیادی را باید به میان آورد که مرز اسناد به تاریخ و استفاده از تخیل چیست؟

تجیبی در این خصوص می‌گوید: به نظر حرکت میان وفاداری به تاریخ و جذب مخاطب – و زیبایی‌شناسی – یک آبله خطرناک و شیرین است.

این‌که میان اسناد تاریخی و داخل کردن ترکیب رنگ و فرم‌های زیبا در حرکت باشیم، مرز حساسی دارد. به همین دلیل من در قامت طراح لباس، کلیت فرم را حفظ می‌کنم و در کنارش، با توجه به امکاناتی که در اختیار دارم، چیزهایی به آن می‌افزایم. در حقیقت فرم کلی حفظ و چیزهایی به آن افزوده می‌شود. من لباس تخت و بی‌حجم و یک لایه‌ای را نمی‌پسندم. دوست دارم لباس، لایه‌های رنگی داشته باشد که کنار هم بنشینند و مخاطب وی معتقد است در طراحی لباس، آثار تاریخی،



و برخی اسنادی که در ایران موجود نبود را برایم ارسال کردند. ساعت‌ها این تصاویر و اسناد را نگاه کردم. در مرحله بعد، این اسناد را مطابقت دادم و سعی کردم جنسیت‌ها را مشخص کنم. ممکن است در آن روزگار مردها لباس گل‌دار بپوشند و مخاطب امروز این مسأله را درک نکند. در مرحله بعد سراغ انتخاب پارچه رفتم که برای لذت‌بخش بود چون معادل چیزی را که در تصاویر دیدم، در بازار پیدا می‌کنم. این‌که تصور کنیم باید دقیقا همان پارچه را بدویم یا استفاده کنیم، خنده‌دار است چرا که آن بافت و مدل وجود ندارد. بلکه باید معادل و نزدیک و با حال زیبایی آن زمان، کار را بازسازی کرد. خیلی وقت‌ها هم توره‌های معمولی می‌گرفتم و زیرش رالایه می‌دادم تا آن حس و حال مد نظرمان را منتقل کند. گاهی پارچه‌ها را کلی بالا و پایین می‌کردم و پلا سرش می‌آوردم. مثل اضافه‌کردن مهره‌های رنگی و تکه‌های مختلف. تا ابتدا خودم آن حس موردنظر را پیدا و بتوانم به مخاطب هم منتقل کنم.

رنگی‌زاده هم در اشاره به مواجه شدن خود با اسناد تاریخی، به برخی کهنه‌کاری‌های افراطی اشاره می‌کند. او به سفرنامه‌های مستند اشاره کرده و می‌گوید: در برخی سفرنامه‌ها این‌طور بیان شده که ایرانی‌ها چون چیزی به نام شونیده نداشتند، هفتگی لباس تعویض کرده و آن را دور می‌انداختند. هرچند معتقدم این از غنی بودن مردم در صنعت پارچه آن زمان بود و ربطی به نداشتن شونیده

نداشتند. این‌که به شکل افراطی به سمت کهنه‌کاری برویم، چیز جالبی نیست.

نحوه مواجهه با اسناد برای یک طراح لباس

اما آنچه مخاطب در خروجی کار ملاحظه می‌کند، با زمان شروع کار و مواجه شدن با اسناد یک دوره تاریخی فاصله بسیاری دارد. طراح لباس باید اسناد بسیاری را بررسی کند تا در نهایت به یک جمع‌بندی برای خروجی کار برسد. تجیبی در این رابطه معتقد است که گاهی طراحان لباس برای نمایش کردن و مو و با رعایت چارچوب‌های رسانه از جایگزین‌های دیگری استفاده می‌کنند تا حس کار به درستی منتقل شود. او در این خصوص می‌گوید: تلاش ما انتقال حس درست به مخاطب است. علاوه بر لباس، آکسسوار هم بخش لاینفک لباس است. چیزهایی که به لباس اضافه می‌شود، چشم کار است؛ به‌خصوص در کردستان که زیورآلات فلزی بسیار جلوه دارد. من در بسیاری از این کارها، حتی به مدل دکمه لباس هم توجه کردم و از آن نگذشتم. کما این‌که دستگاه مخصوص سر صحنه بردیم و دکمه را با پارچه مخمل به شکلی که باید، درست کردیم. یا سنجاق‌هایی که د عا را به لباس وصل می‌کردند را فراموش نکردیم؛

تمام اینها برای انتقال حس و حال آن دوران بوده. وقتی یک کار تاریخی به من سپرده می‌شود، تمام جزئیات را مورد توجه قرار داده و در ابتدا، یک تحقیق مفصل انجام می‌دهم. البته در مورد لباس کردی به واسطه اصالت سندجی خود، تسلط بیشتری دارم. اسنادی را هم که درباره کردها در جنگ جهانی اول بود بررسی کردم؛

وقتی صحبت از لباس در کارهای تاریخی می‌شود و مخاطب حاصل یک تحقیق گسترده را در قاب تلویزیون می‌بیند، این پرسش برایش مطرح می‌شود که چقدر از چیزی که می‌بیند واقعی و منطبق با تاریخ است

لباس را باید مجزادانست. تاریخ لباس ما، یک تاریخ باشکوه، غنی و بی‌نهایت زیرکانه بوده که گذشتگان ما بر اساس نیازهای‌شان این لباس‌ها را طراحی می‌کردند. این جزئیات در لباس کردی هم دیده می‌شود، کما این‌که در مزارع شال و مدل بستن آن، معانی بسیاری نهفته است. البته برخی افراد هم با داریی که به خرج دادند، از این معانی در مد امروز استفاده کرده‌اند. در واقع بسیاری از برندهای ایرانی و خارجی از نقوش ایرانی برای خلق یک برند جدید استفاده کرده‌اند. ماکنجینه‌ای از گذشتگان داریم که یک گوشه‌از آن باز شده و در فرهنگ امروز تجلی پیدا کرده و یک بخش دیگرش مانده و باید آن را نشان داد. باید توجه داشته باشیم هرجایی که از این میراث تاریخی استفاده کردیم، شاهد درخشش آن بوده‌ایم. این میراث، بسیار فاخر و باشکوه است. هر جایی که در اروپا هم از این میراث استفاده شده به مد زیباتر و شیک‌تری رسیده‌اند. تلاش من به عنوان طراح لباس هم همیشه این بوده که این میراث را به زیبایی نشان دهم. رنگی‌زاده هم در این رابطه، خودش را مانندار تاریخ می‌داند و بیان



دورتادور عمارت آصف دیوان، مردانی نشسته‌اند که شانه به شانه هم و دست به زانو، یک چشم به میدان کشتی پهلوانان دوخته‌اند و چشم دیگرشان به قلیبان کشیدن خلیل و دیگران است. چهارزانو نشسته‌اند و دخترانی با پیراهن گل‌دار و با ظروف پذیرایی و جای وارد می‌شوند. برای مخاطبی که در اولین قسمت یک سریال تاریخی مثل سنجرخان، این تصاویر را از قاب جادویی تماشا می‌کند، تاریخ پر است از جزئیاتی که حاضر است برای تماشایش، ده‌ها قسمت پای یک قصه تلویزیونی بنشیند. اصلا سریال‌های تاریخی با همین پیچ و خم و رنگ لباس‌هاست که شکل می‌گیرد، سکانس به سکانس یک اثر تاریخی، روی همین رنگ و پوششی بنا می‌شود که طی ساعت‌ها مطالعه، به یک خروجی نهایی رسیده است. برای همین هم یکی از جذابیت‌های تماشای آثار تاریخی، دیدن لباس و ریزه‌کاری‌هاست و مخاطب را با محتوای اثر همراه می‌کند. شاید جزئیات و تفاوت میان لباس مقصودیک در سریال مهیار عیار با حاکم «مستوران» در چشم مخاطب مشخص نباشد اما خط به خط و رج به رج این جزئیات ساعت‌ها و شاید روزها بررسی می‌شود تا در نهایت به یک طرح کلی مستند و جذاب ختم شود.

اهمیت خلق لباس‌های درست، مستند و البته جذاب، تا جایی است که می‌تواند یک سریال بی‌محتوا را به یک اثر خاص تبدیل کند؛ چیزی که در آثار ترکی به وفور یافت می‌شود. جام جم در پرونده پیش‌رو، این مسأله را با دو طراح لباس باسابقه در میان گذاشته تا نظر آنها را جویا شود. آذر نجیبی، طراح لباس، پژوهشگر و مدرس تاریخ لباس است که تاکنون در کارهایی مثل نون خ، سنجرخان و شبکه مخفی زنان حضور داشته است. ژاله رنگی‌زاده هم این روزها در کنار تیم مهیار عیار حضور دارد تا کار طراحی لباس‌های دوره صفویه

رویکرد

اهمیت بازخوانی تاریخ

نگین صادقی گروه رسانه می‌کند که درباره گذشتگان جریان داشت!» این سخنی است که از امام‌علی(ع) نقل شده است و نشان از اهمیت خواندن تاریخ در شکل‌گیری سرنوشت انسان دارد.

بازخوانی‌ای که می‌تواند در قالب‌های مختلف ارائه شود. در این صورت است که مردم با یک اثر ارتباط برقرار می‌کنند و می‌توانند با مرور آنچه بر نیاکان‌شان رفته است از اشتباهات‌شان درس بگیرند. این ساده‌ترین و البته مشهورترین تصدیقی است که در اهمیت بازخوانی تاریخ آمده. این مهم آینه‌ای است که مقابل چشم بشر، راه‌های رفته و نرفته نسل گذشته را نمایان می‌سازد و توقیقات و شکست‌های پیشین را آشکار می‌کند تا بشر از دریچه تاریخ به تجارب مردمان پیش از خود پی ببرد و آنها را توشه راه خود کند. بازخوانی تاریخ در قاب تصویر از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین اشکال این مهم است و البته احتمالا چالش‌برانگیزترین آنها. تاثیر را می‌توان در همه‌گیری رسانه‌ای همچون صداوسیما یافت که مخاطبان بسیاری را گرد خود می‌آورد و می‌تواند برد و اثربخشی بیشتری داشته باشد. البته همان‌طور که بیان شد به‌تصویرکشیدن وقایع تاریخی یا روایت قصه‌ای در دل تاریخ چالش‌های خاص خود را هم دارد به‌ویژه وقتی درباره دوره‌ای باشد که بر تاریخ این مرز و بوم موثر واقع شده است.

نما



گذر به شهر مستوران

شاید بتوان این‌طور گفت که دست سریال‌های تاریخی در ارائه نماهای مختلف، بازتر است. نماهای مختلفی که در سریال‌های متفاوت به‌خصوص فصل دوم مستوران روی آنتن رفت، این تنوع پوشش و لباس‌ها را نشان می‌دهد. می‌توانید بخش‌هایی از این تنوع را در فیلم زیر مشاهده کنید.



قاب‌های یک مقاومت تاریخی

تاکنون مجموعه‌های بسیاری روایتگر تاریخ معاصر بوده و تلاش کرده تصاویر خاص این دوران را از طریق طراحی لباس، به مخاطب نشان دهد. سریال «سوران» روایتگر سرگذشت جوانی کرد باهمین نام بود که در التهابات دهه ۵۰ منطقه کردستان دچار چالش می‌شد. او برادرش را در درگیری‌ها از دست می‌داد و برای گرفتن انتقام او، مقابل حزب کومه می‌ایستاد. سوران تلاش می‌کرد تسلیم نشود و روایتگر مقاومت مردم کردستان باشد. سریال سوران اقتباسی از کتاب «عصرهای کرسکان» نوشته کیانوش گلزار راغب بود که توانست توجه مخاطبان بسیاری را به خود جلب کند. از جمله بازیگران این مجموعه تلویزیونی می‌توان به مرحوم حسام محمودی، مهدی نصرتی، علیرضا جعفری و توماج دانش‌بهرادی اشاره کرد. این مجموعه با توجه به حال و هوای قدیمی خود به طراحی لباس هم توجه ویژه‌ای کرده و تصاویر خاصی را برای مخاطبان به تصویر کشیده بود. نوع لباس‌های مردان کرد در دهه ۵۰، تنوع پوششی زنان و حال و هوای آن زمان کردستان، از طریق تصاویر این سریال به درستی برای مخاطب به تصویر کشیده شده بود. سوران در ژانر درام سیاسی- تاریخی به کارگردانی سروش محمدزاده، تهیه‌کنندگی مجتبی فرآورده و نویسندگی عباس ریاحی بود که در تهران، یاسوج و کردستان تصویربرداری شد.



ویژه

رنگارنگ

یک شهر افسانه‌ای

ازجمله سریال‌هایی که توانست قاب‌های خاصی از لباس‌های تاریخی را به نمایش بگذارد، سریال «مستوران» بود که در فصل دوم خود با قصه‌های تازه‌ای روی آنتن رفت. فصل دوم مستوران به کارگردانی سیدعلی هاشمی و محصول سازمان هنری-رسانه‌ای اوج بود که داستان عاشقانه‌ای برگرفته از قصه‌ها و افسانه‌های کهن سرزمین ایران به تصویر کشید. داستان این فصل، در ادامه فصل اول بوده که به نویسندگی محمد حنیف در ۳۸ قسمت تهیه و از شبکه یک سیما پخش شد. ازجمله بازیگران این مجموعه می‌توان به بهنام تشکر، کاوه خدانشناس، محیا دهقانی، ثریا قاسمی، فرهاد آتیش، فاطمه گودرزی، رویا معلمی و رابعه اسکویی اشاره کرد. فصل اول سریال مستوران به کارگردانی مسعود آب‌پرور در تابستان ۱۴۰۱ و ۲۶ قسمت از شبکه یک سیما پخش شده بود. داستان فصل اول درباره درزیده‌شدن پسرچهای به نام لطفعلی توسط یک قبیله وحشی و تلاش پدر و مادرش برای بازگرداندن او بود. ماجرای فصل دوم درباره بزرگسالی لطفعلی بود.

